فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc470176768)

[تجلی ظرائف معانی از فحوای لفظ 2](#_Toc470176769)

[عوامل تأثیرگذار در معنا 2](#_Toc470176770)

[تأکیدات هرمنوتیک 3](#_Toc470176771)

[علت تفاوت برداشت‌ها؛ از روایات 5](#_Toc470176772)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: اصول فقه/عام و خاص/ لزوم فحص از مخصص

# اشاره

ذیل بحث مخصص منفصل؛ به مقوله تقطیع در روایات و به مناسبت تقطیع؛ به مقوله‌ای؛ ولو اینکه تقطیع نامیده نمی‌شود؛ اما مناطاً با بحث در ارتباط هست؛ رسیدیم و آن مقوله ‌این بود که؛ وقتی کلامی از معصوم صادر می‌شود، یا کسی دیگر؛ احتمالاً این کلام تحت تأثیر شرایط زمان و مکان و اوضاع‌واحوال؛ پیرامون خود قرار بگیرد و مدلول کلام با آن قرائن و اوضاع‌واحوال فراگیرنده و دربرگیرنده کلام؛ شکل می‌گیرد و می‌تواند این حوادث و وقایع بیرون از متن؛ در معنای متن؛ اثرگذار باشد.

# تجلی ظرائف معانی از فحوای لفظ

کلام در عین اینکه؛ از بیرون متأثر است، از درون شخص؛ یعنی پیش‌فرض‌ها که در درون شخص است؛ تأثیر می‌گیرد، بنابراین؛ کلمات و سخنان صادره از گوینده و متکلم؛ این‌طور نیست که فقط در شکل لفظی معنای کامل پیدا بکند و بگوییم؛ هر چه در بطن این معنا هست؛ در قالب لفظ؛ تجلی کرده است، این بحث‌های مهمی است که در هرمنوتیک گفته می‌شود و در یک سطحی؛ در اصول باید توجه بشود.

# عوامل تأثیرگذار در معنا

وقتی سخنی از کسی صادر می‌شود؛ آیا همه ظرائف و دقائق که در معنا مؤثر است؛ در قالب الفاظ خودش را نشان می‌دهد؛ یعنی این مجموعه کلام؛ هر چه می‌خواهد افاده کند؛ در قالب یک حرف یا کلمه یا اسمی یا حرفی ریخته شده و افاده می‌کند یا اینکه؛ این کلام بار معنایی با لفظ حمل می‌کند، اما درعین‌حال؛ تحت تأثیر دو عامل مهم دیگر است:

1- عالم درونی متکلم است که عبارت است از؛ پیش‌فرض‌ها و یافته‌های قبلی او و مسائلی از این قبیل که شنونده باید مطلع بشود که او؛ صاحب این افکار و آراء هست.

2- تحت تأثیر عوامل بیرونی؛ یعنی شرایط و اوضاع‌واحوال بیرونی است که؛ اوضاع‌واحوال بیرونی؛ در معنا؛ بخصوص در ریزه‌کاری‌ها؛ اثر دارد، مثلاً امام باقر علیه‌السلام؛ راجع به همکاری نکردن عدم تعاون با ظلمه؛ روایاتی دارند، اگر فرد نداند؛ دستگاه خلافت بنی‌امیه است، جایگاه امام و شرایط زمان و مکان؛ یک‌طور فهمیده می‌شود، اما اگر آن‌ها را می‌فهمد؛ می‌گوید؛ این‌یک مبارزه بوده و پایه‌ریزی خط مبارزه است، خیلی از ظرائف و دقائق مسئله؛ ناشی از اوضاع‌واحوال بیرونی است، یا مثلاً مرحوم آیت‌الله بروجردی می‌فرمودند؛ فقه ما در دادوستد با فقه عامه بوده، لااقل این است که؛ دادوستد درست است، تعبیر افراطی‌اش این است که؛ فقه ما حاشیه‌ای بر فقه عامه است، برای اینکه عامه؛ حاکمیت داشتند و همه‌چیز در دست آن‌ها بوده و ما دائم حاشیه بر آن می‌زندیم.

زمانی که؛ روایات عامه و نظرات عامه را در مورد غیبت می‌بینیم؛ دیده می‌شود که؛ روایات غیبت به چه صورت جایگاهش تغییر پیدا می‌کند، شرایط و اوضاع‌واحوال زمانه بیرونی که قرائن لبّیه و قرائن حالیه درست می‌کند.

در دو سطح این مطلب قابل‌بررسی است:

1- سطح هرمنوتیک‌های جدید نسبت‌گرا است، در این سطح؛ مباحث فلسفی است و مربوط به شناخت ذهن و سخن متکلم و از این قبیل است، طیفی از دیدگاه‌ها این‌طور است که؛ متنی از کسی صادر می‌شود؛ معنای ثابت ندارد، هسته ثابت معنایی ندارد، یا اینکه دومی بیشتر رواج دارد و این است که؛ معنای ثابت دارد اما هیچ‌وقت کسی نمی‌تواند به آن هسته ثابت معنایی که در ذهن طرف دیگر بوده و اراده جدیه او؛ بر آن منعقدشده؛ برسد.

دیدگاه هرمنوتیکی برخی بیان دارد که؛ اصلاً نمی‌توان این متن را از آن حواشی، (خواه حواشی درونی روان‌شناختی و خواه زمینه‌های اجتماعی برون‌متن) جدا کرد، بعضی از متفکران اولی را و بعضی دومی را تأکیددارند.

# تأکیدات هرمنوتیک

هرمنوتیک روی سه عامل تأکید دارد و این سه عامل عبارت‌اند از:

1- حرف‌هایی که از متکلم صادر می‌شود؛ متکی بر پیش‌زمینه‌های روان‌شناختی اوست که؛ کامل آن؛ نمی‌تواند منعکس و دریافت بشود.

2- حرف‌ها، در ارتباط با حوادث و وقائع پیرامونی‌اش قرار دارد و آن‌ها روی معنای آن اثر دارد و احاطه بر آن نمی‌شود.

3- ظرفی که پذیرنده هست و این مطلب را قبول می‌کند(شنونده)؛ نمی‌تواند خالی‌الذهن بشود و امکان ندارد؛ یعنی زمینه‌های روان‌شناختی و ذهنی مستمع؛ چسبیده به این فهم است.

اگر مراد واقعی جدی و هسته ثابت معنایی هم داشته باشد؛ به آن راه ندارید و طریق مسدود است، این سطح از بحث؛ بحث فلسفی است و در دوره معاصر بیشتر این قضیه شکل‌گرفته است و با این ابعاد رشد پیداکرده است.

حدود شانزده اشکال به این هرمنوتیک گرفتیم و بیان کردیم که؛ همه این‌ها اشکالاتی نیست که وارد باشد؛ بلکه دو یا سه اشکال بود که بر این مطلب وارد بود.

از منظر دیگری هم این مسئله را نقد کردیم که؛ اگر کسی به این مسئله رسید؛ معنایش این نیست که؛ شریعت جمع بشود، ممکن است؛ هرمنوتیک باشد منتها با قواعدی فهم ما نیز از شریعت؛ حجت باشد.

وجود قواعد هرمنوتیکی در فهم معنا؛ مانع از این نیست که؛ قانونی در کشوری باشد و قانون هم؛ بر مبنای اقداماتی انجام بشود.

در آن کتاب گفته‌ایم؛ بحث‌هایی که انجام داده‌اند؛ ازنظر فلسفی ما قبول نداریم. می‌گوییم؛ مسائلی مانند اینکه «اجتماع و ارتفاع نقیضیین، محال است» وجود دارد که این بحثهای فلسفی روی آن تأثیری ندارد، این معرفت ناب و خالص است و میسر است، گفتیم که؛ این دیدگاه‌ها؛ انسان‌ها را خیلی هوشیار می‌کند، برای اینکه به ابعاد مختلف فرا متن بپردازد و با یک دقت بیشتر به این مسائل توجه بکنند، خیلی جاها این حالت را دارد؛ زمانی که متکلم سخنی می‌گوید؛ شما هم از ظن خودتان؛ حرف او را به این صورت تعبیر می‌کنید، این موجب می‌شود که؛ حساسیت در فهم متن و معنا؛ بالا برود.

سطح دوم از بحث این است که؛ این مطلب را نمی‌گوییم که؛ «لا یتیسر من مستمع أن یصل إلی مغزی مراد متکلم فلسفیاً»، اما واقعیت این است که؛ در یک فضای عرفی هم اگر نگاه بشود؛ قرائن حالیه و اوضاع‌واحوال حافه به یک‌سخن و شرائط صدور سخن و کلام؛ بر روی کلام و سخن اثرگذار است، باید با دقت به آن توجه کرد.

یکی از چیزهایی که روی فهم لفظ اثر دارد؛ منظومه فکری آن کسی است که صحبت می‌کند.

به دلیل اهمیت این موضوع؛ مجتهد باید اوضاع‌واحوال این را به دست بیاورد و قرائن حالیه را مطلع بشود.

بنابراین فحص نمی‌شود؛ منحصر به قرائن لفظیه بشود، باید به قرائن حالیه هم توجه کند که؛ به منظومه کلام شخص و اوضاع‌واحوال زمانه برمی‌گردد.

# علت تفاوت برداشت‌ها؛ از روایات

بسیاری از تفاوت برداشت‌هایی که از روایات می‌شود و اولویت‌های که داده می‌شود؛ به خاطر بودن آن منظومه فکری است و برداشت‌هایی مختلفی از این منظومه می‌شود، اینکه عاشورا به چه صورت تفسیر بکنیم؛ با منظومه فکری اسلام در ارتباط است، در نوع برداشت فقهی شخص؛ اثرگذار است، در تفسیر منظومه؛ ممکن است که؛ تفاوت دیدگاه بسیار باشد، مهم این است که؛ منظومه دیده شود، اجتهاد کامل این است که؛ در منظومه ببیند، امام در امربه‌معروف یا قیام و انقلابش؛ منظومه‌ای را می‌بیند و منظومه که می‌بیند؛ با دیگران متفاوت است، در کلام هم به همین صورت است که؛ منظومه دیده‌شده و اوضاع‌واحوال زمانه را توجه کردن؛ اثرگذار است، فرمایش آیت‌الله بروجردی فی‌الجمله درست است، تأثیر وسیعی که ایشان تصور کردند؛ شاید نباشد، مرحوم آیت‌الله تبریزی و مرحوم خوئی کم‌اعتنا به این مطلب بوده‌اند، مطلب درست؛ راه میانه‌ای است که در اینجا وجود دارد، با کلمات عامه و شرائط فقه عامه؛ ارتباط دارد؛ اما نه آن‌قدر که بعضی تصور می‌کنند.

آیا این مطلب مانع از این می‌شود که ما بفهمیم و بگوییم نمی‌شود فهمید، ما گفتیم؛ ازنظر فلسفی امکان دارد، ازنظر عرفی و فهم متن عرفی؛ با توجه به شرایط خاص آن متون دینی که داریم و فاصله‌ای که از آن گرفتیم و اوضاع‌واحوالی که؛ کمتر می‌شود؛ احاطه پیدا کرد، گفتیم این مانع نیست، باید فحص را انجام داد؛ اما مانع نیست، برای اینکه گویا در خود روایات؛ عنایت به این است که؛ مهندسی بشود و این‌قدر دربند قرائن حالیه پیرامونی نباشند؛ یعنی اینکه امام توجه دارد و می‌خواهد باقی بماند، تنظیمات و مهندسی روایات به‌گونه‌ای است که؛ ماندگار بماند.

شواهدش هم؛ تأکیدات کتابت حدیث ازجمله؛ « ربّ حامل فقه الی من هو افقه منه»،[[1]](#footnote-1) « **حَلَالُ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ أَبَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**»،[[2]](#footnote-2) «**علینا بالإلقاء الاصول و علیکم بالتفریع**»[[3]](#footnote-3) و خیلی دیگر از این موارد، این مطالب می‌گوید که؛ فهم مقید به آن چیزهای که؛ دیگر نمی‌شود به آن دست رسی پیدا کرد (البته تا حدی می‌شود؛ دست رسی پیدا کرد)، در اینجا دو تفسیر است: 1- می‌شود به‌صورت کامل فهمید 2- اینکه معذور هستید و به همین اندازه‌ای که می‌فهمید؛ حجت است و جلو بروید.

این روایات که بیان شد؛ مهندسی برای فهم روایات متون؛ مجزای از آن شرایط است؛ یعنی طوری سخن گفتند که؛ دربند آن‌ها نباشد، یا لااقل می‌گویند؛ در همان حدی که فحص کردید؛ بعداً دیگر معذور هستید.

مهندسی ائمه به این است که؛ این روایات طوری بیان شود که؛ دربند قرائن خارجیه‌ای که؛ به‌سادگی کسی به آن دسترسی پیدا نکند؛ نباشد و اینکه؛ به‌ناچار در بعضی از شرائط؛ چیزها از دست می‌رود و گویا ما را معذور دانسته‌اند.

1. - امالی مفید / مجلس / 23 ص . 186 [↑](#footnote-ref-1)
2. - شيخ كليني، الكافي، تهران، انتشارات اسلاميه، سال 1362 ه ش، چاپ دوم، ج‏1، ص 59. [↑](#footnote-ref-2)
3. - وسائل الشیعه، ج 18، ص 41، حدیث 52. [↑](#footnote-ref-3)